

ساخت اجتماعی طلاق توافقی در ایران

Social Construction of Consent Divorce in Iran

<https://dx.doi.org/10.29252/jfr.16.1.6>

M. Qurchibeygi, Ph.D.

Department of Criminal law, University of Kharzmi, Tehran, Iran

A. Eghbali, Ph.D. Student

Department of Islamic Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

✉ **دکتر مجید قورچی بیگی**

گروه حقوق جزا، دانشگاه خوارزمی

ابوالفضل اقبالی

گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۷/۲/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۸/۵/۸

پذیرش مقاله: ۹۹/۳/۷

Abstract

Social developments are among the most important areas of research in the social sciences. An agreement on divorce in the Iranian society is one example of the transformation of the family and marriage institutions. In this paper, we try to understand and analyze the process of changing this phenomenon with its social construction. For this purpose, the "analytical realism" approach, and in particular the "voluntary action theory", was used by American structuralism sociologist Talcott Parsons.

✉ Corresponding author: Department of Criminal law, University of Kharzmi, Tehran, Iran.
Email: majid.baygi@khu.ac.ir

چکیده

تحولات اجتماعی یکی از عرصه‌های مهم تحقیق در علوم اجتماعی به شمار می‌روند. پدیده طلاق توافقی در جامعه ایرانی یکی از مصادیق تحول در نهاد خانواده و ازدواج است. در این مقاله سعی شده تا روند تغییرات این پدیده با چگونگی ساخت‌یابی اجتماعی آن فهم و تحلیل شود. برای این منظور از رویکرد «واقع‌گرایی تحلیلی» و به طور خاص «نظریه اراده‌گرایانه کنش» تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس کارکردگرای ساختاری بهره گرفته شد. روش مورد استفاده در این تحقیق، کیفی و از نوع تحلیل ثانویه بوده و برای گردآوری داده‌ها از پیمایش‌ها و تحقیقات پیشین بهره گرفته شده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، خیابان مفتح جنوبی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، گروه حقوق جزا
majid.baygi@khu.ac.ir: پست الکترونیکی

The method used in this research is qualitative and is of secondary analysis type and has been used to collect data from previous surveys and research. Findings of the research indicate that a divorce agreement is influenced by two objective and subjective social contexts of social construction. Its mental context relates to the evolution of the patterns of conjugation and the change in the structure of the authority of the family and its objective context in the context of family litigation proceedings in the family courts as well as the world-wide sexuality of the world today.

Keywords: Consent Divorce, Family Court, Social Construction, Divorce in Iran.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که طلاق توافقی متأثر از دو ساحت عینی و ذهنی ساخت اجتماعی می‌باشد. ساحت ذهنی آن مربوط به تحول در الگوهای همسرگزینی و تغییر در ساختار اقتدار خانواده و ساحت عینی آن مربوط به اطلاع دادرسی دعوی خانوادگی در دادگاه‌های خانواده و نیز زیست جهان جنسی دنیای امروز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: طلاق توافقی، دادگاه خانواده، ساخت اجتماعی، طلاق در ایران.

مقدمه

از مهم‌ترین ویژگی جوامع در حال گذار، سرعت تحولات اجتماعی آن‌هاست. ورود ارزش‌های گفتمان مدرنیته و فناوری‌های گسترده، با شتاب بسیار چشم‌گیر به ایجاد تغییر در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی این جوامع منجر می‌شود. جامعه ایران نیز در سال‌های پس از انقلاب شاهد این تحولات اجتماعی گسترده و پرشتاب بوده است؛ تحولات جمعیتی، تغییرات ارزشی بین‌نسلی، رشد شهرنشینی و تغییرات بنیادین در سبک زندگی افراد بخشی از این تحولات پرشتاب در دهه‌های اخیر بوده است.

از جمله عرصه‌های اجتماعی پرتحول در دنیای امروز، عرصه خانواده و قلمروهای جنسیتی ناظر بر آن است (چیل^۱، ۱۳۸۸؛ برناردز^۲، ۱۳۸۷ و گاردنر^۳، ۱۳۸۸). به تبع این تحولات جهانی، خانواده ایرانی نیز در دهه‌های گذشته شاهد تحولات عمیق و گسترده‌ای در فرم و محتوا و کارکردهای خود بوده است. هسته‌ای‌شدن خانواده، تغییر در ساختار قدرت در خانواده، افزایش سن ازدواج و مجرد قطعی، تحول در شیوه‌های همسرگزینی، تحولات گفتمانی و ارزشی حاکم بر مناسبات خانواده، افزایش حضور اجتماعی زنان، کاهش بعد خانوار و نرخ باروری، ازدواج سفید و روابط فراخانوادگی و غیره، بخشی از روند تغییرات خانواده ایرانی را تعریف می‌کنند (آزادارمکی، ۱۳۹۴؛ ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ قانع‌راد، ۱۳۹۶؛ تنهایی و شکرپیگی، ۱۳۸۷؛ حاجیانی، ۱۳۹۰؛ نیک‌پی، ۱۳۹۱؛ حق‌شناس، ۱۳۹۲؛ علی‌احمدی، ۱۳۸۹ و زمانیان، ۱۳۸۷). برخی از این تحولات از منظر پژوهشگران و صاحب‌نظران مطالعات اجتماعی به عنوان مسأله یا آسیب اجتماعی نیز طرح شده‌اند (آزادارمکی، ۱۳۹۴؛ حاجیانی، ۱۳۹۰ و حق‌شناس، ۱۳۹۲).

اما در این میان مسأله طلاق مهم‌ترین آسیب پیش روی نهاد خانواده است. بر اساس جدیدترین داده‌های مرکز آمار ایران، در حال حاضر نسبت میان ازدواج و طلاق در کل کشور ۴/۲ است که به معنای ثبت یک طلاق به ازای هر چهار ازدواج است. هم‌چنین سال گذشته در ۹ ماهه ابتدایی، ۱۳۶ هزار و ۶۵۱ مورد طلاق به ثبت رسیده که در مقایسه با بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نرخ ثبت طلاق از رقم ۱/۹ به ۲/۱ رسیده است. در ۹ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۶ نیز ۱۳۳ هزار و ۳۶۶ واقعه طلاق در پایگاه ثبت احوال کشور به ثبت رسیده است. وجه نگران‌کننده و مسأله‌بودگی این آمارها آنجایی بیشتر نمایان می‌شود که می‌بینیم از میان ۱۶۸ هزار و ۳۵۶ طلاق ثبت‌شده در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۲۵ هزار و ۵۳۳ مورد یعنی حدود ۷۴ درصد به صورت توافقی انجام گرفته است. این نسبت در سال ۱۳۹۶ نیز چیزی در حدود ۷۱ درصد کل طلاق‌های ثبت‌شده در این سال است.

در تعریف اصحاب علوم اجتماعی از پدیده‌های اجتماعی یک دسته‌بندی وجود دارد که پدیده‌های اجتماعی را به صرف وجود آنها در جامعه، «واقعیت اجتماعی»^۴ می‌نامند. واقعیت اجتماعی وقتی به لحاظ فراوانی آماری گسترش یافته و به لحاظ هنجاری با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت پیدا می‌کند، به «مسأله اجتماعی»^۵ تبدیل می‌شود. در نهایت وقتی شیوع و گستردگی یک مسأله اجتماعی به تأثیرات ساختاری می‌انجامد و باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد، با «بحران اجتماعی»^۶ مواجه هستیم (رابینگتن، ۱۳۸۳: ۱۲).

پدیده طلاق توافقی در ایران هم با توجه به تطبیق آن با تعریف فوق از بحران اجتماعی و هم با عنایت به ناسازگاری آن با ارزش‌ها و باورهای دینی متّخذ از اسلام که خانواده را محبوب‌ترین (حراملی، ۱۹۹۱: ج ۱۴، ص ۳) و عزیزترین (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۱۰۰، ص ۲۲۲) نهاد بشری نزد خداوند معرفی می‌کند و هم به دلیل چالش با اصل دهم قانون اساسی که می‌گوید: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد»، باعث طرح دیدگاه‌های کارشناسی متعددی شده است که نشان از برجسته‌شدن این مسأله در ساحت ذهنی کنشگران عرصه خانواده دارد.

وجه نگران‌کننده طلاق توافقی در ایران به کم‌رنگ‌شدن عاملیت نهادهای قانونی حمایت از خانواده و ازدواج مربوط می‌شود. انقلاب طلاق توافقی معطوف به از بین بردن مناسبات قضایی و قانونی حامی خانواده است که در دعاوی مربوط به طلاق از مکانیسم‌های حداکثری جهت ممانعت از این تصمیم زوجین بهره می‌گیرد. ایده طلاق توافقی به معنای غلبه اراده زوجین به مثابه کنشگر، بر اراده قانون به مثابه ساختار، در عرصه تحکیم یا تضعیف نهاد خانواده است. بنابراین با توجه به روند افزایشی نرخ طلاق توافقی در دادگاه‌های امروز، به طوری که از هر سه طلاق دو مورد آن به طلاق توافقی مربوط می‌شود، مقاله حاضر درصدد فهم این پدیده با توجه به نحوه ساخت‌یابی اجتماعی آن است. این مطالعه به بررسی روند تغییرات اجتماعی منجر به طلاق توافقی در ابعاد «ذهنی» و «عینی» و تأثیر هم‌زمان نقش «عاملیت» و «ساختار» در شکل‌دادن به ساخت این پدیده در ایران می‌پردازد.

روش‌شناسی و چارچوب مفهومی پژوهش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، کیفی و از نوع تحلیل ثانویه است. این روش از جمله روش‌هایی است که به صورت درجه دوم از منابع پیشینی استفاده می‌کند. در این تحقیق برای تحلیل وضعیت عینی و ذهنی طلاق توافقی، از داده‌های پژوهش‌ها و تحقیقات پیشینی صورت‌گرفته در این عرصه بهره گرفته و یافته‌های آن‌ها پس از ارزیابی، برای پاسخ به مسأله تحقیق حاضر، به صورت ثانوی مورد بازبینی و تحلیل قرار می‌گیرند.

پژوهش حاضر در فضای مطالعات میان‌رشته‌ای و در سنت جامعه‌شناسی حقوقی صورت گرفته است. چارچوب نظری و مدل تحلیلی پژوهش حاضر برای فهم پدیده طلاق توافقی در ایران، رویکرد «واقع‌گرایی تحلیلی» تالکوت پارسونز (۱۹۳۷) جامعه‌شناس آمریکایی است. واقع‌گرایی تحلیلی قالبی مفهومی است که به دنبال رسیدن به نظریه‌ای نهایی تحت عنوان «نظریه اراده‌گرایانه کنش»^۸ است. این نظریه پس از بررسی و تحلیل آثار مارشال، پارتو، دورکیم و وبر به دست آمده و همان‌طور که بیان شد، به اذعان پارسونز همه این صاحب‌نظران به اراده‌گرایی کنشگر در مطالعات اجتماعی عقیده دارند (اعتمادی‌فرد، ۱۳۸۹).

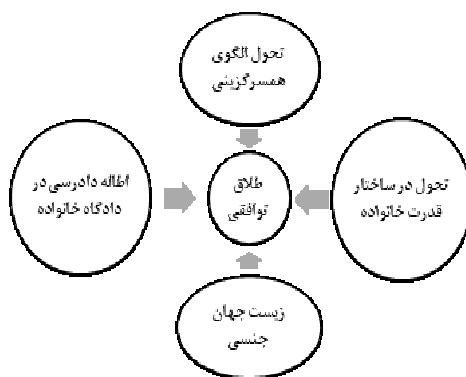
پارسونز بین آنچه دورکیم در مورد درونی‌کردن نظم هنجاری مطرح کرده بود با آنچه فروید درباره درونی‌کردن ارزش‌ها در «من برتر»^۹ بیان کرده، مشابهت‌های نظری می‌دید. وی با تلفیق آن‌ها با مباحث کارکردگرایی، به دنبال دستیابی به الگوی عام خود بود. پارسونز در این نظریه، به جای تأکید بر مباحث اقتصادی، بر جامعه‌شناختی، حول مباحث روانی - اجتماعی تمرکز می‌کند. هدف او، گنجاندن تمامی ابعاد و مؤلفه‌های اجتماعی در این قالب نظری است؛ به نحوی که با استفاده از آن بتواند هم سطوح خرد اجتماعی را که به نحوه جامعه‌پذیر شدن فرد فرد کنشگران بازمی‌گردد و هم سطوح کلان اجتماعی را که به الگوهای کلی هنجاری در جامعه مربوط است، تحلیل کند (کرایب^{۱۰}، ۱۳۹۲: ۴۵). علاوه بر دو بعد خرد و کلان، دو بعد ایستایی و پویایی نیز مطرح نظر پارسونز بوده است. او با مطرح کردن عنصر مفهومی «ساختار»^{۱۱} به دنبال تبیین ابعاد ایستایی نظام اجتماعی بود؛ زیرا هر نظام اجتماعی شامل واحدهایی است که به گونه‌ای درهم‌تنیده و به هم بافته‌اند که الگویی را برای کل نظام به وجود می‌آورد. با به‌کارگیری مفهوم «کارکرد»^{۱۲}، پارسونز توانست به تحلیل جنبه‌های پویایی نظام اجتماعی بپردازد؛ زیرا مباحث کارکردی به دنبال تبیین چگونگی ارتباط و مناسبات میان مقوله‌های ساختاری ایستا در نظام اجتماعی است. از این رو، پارسونز به دنبال قالبی نظری با ماهیت کارکردی - ساختاری بود؛ زیرا با کمک آن می‌توانست هم طریقه بقا و حفظ و هم نحوه گسترش نظام‌های اجتماعی را تحلیل کند (همیلتون^{۱۳}، ۱۹۹۲: ۸۷).

پارسونز در این نظریه به دنبال دستیابی به واحدی بنیادی است که اساس تمامی کنش‌های انسانی را شامل شود. پارسونز اصطلاح «واحد کنش»^{۱۴} را برای این منظور انتخاب می‌کند. مقصود از واحد کنش بخشی از ساخت واقعیت است که انسان‌ها آن را به واسطه تفاسیر و معانی ذهنی می‌فهمند، معنا می‌بخشند و بازسازی می‌کنند (همان: ۷۰). این واحد در ابتدا شامل کنشگران انسانی است که دارای زنجیره‌ای از اهداف و مقاصد هستند. این کنشگران با اتخاذ وسایلی برای دستیابی به مقاصد خویش کمک می‌جویند. باید توجه داشت که کنشگران در انتخاب این مقاصد و وسایل، از آزادی تام برخوردار نیستند. این انتخاب‌ها توسط شرایطی خارجی محدود شده و باعث ایجاد حد و مرز در انتخاب‌ها می‌شود. بنابراین اگرچه کنشگران آزاد و

مختار برای گزینش وسایل و اهداف خویش هستند، ولی این گزینش اختیاری، محدود به شرایط عینی و اجتماعی خارجی است.

پارسونز از مفهوم کنشگر اراده‌مند به بحث از نحوه تحدید گزینش‌های کنشگر پرداخته و مفهوم کنش را به نظام اجتماعی بسط می‌دهد. نظام اجتماعی شامل تمامی شرایط مادی و اجتماعی و ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده عمومی و هم‌چنین شامل سایر کنشگران است. کنشگران انسانی در محیط‌های خود با یکسری محدودیت‌های مادی سروکار دارند که نمی‌توانند هر گزینه‌ای را به صورت مطلقاً آزاد انتخاب کنند. مهم‌تر از شرایط عینی و مادی، محیط کنشگران مشحون از ارزش‌ها و هنجارهایی است که عامه آن را پذیرفته‌اند و بر گزینش اهداف و وسایل کنشگران نیز تأثیر می‌گذارد (ترنر^{۱۵}، ۱۹۹۸: ۳۰). البته چنین نیست که در این نظریه، عنصر بنیادی تحلیل اجتماعی که همان کنش اراده‌گرایانه است، از تحلیل پارسونز حذف شود؛ بلکه این واحد بنیادی به جای آن که نمایانگر عقلانیت کنشگران باشد، محملی بنیانی است برای تبیین کارکردی ساختار اجتماعی (لومیس^{۱۶}، ۱۹۶۵: ۴۲۴).

اساساً آنچه از این نظریه مدنظر این مقاله است، توجه به ابعاد ذهنی و نگرشی کنش افراد در کنار ابعاد عینی آن است. به عبارت دیگر، ایده روش‌شناختی پژوهش حاضر مبتنی بر ترکیب دو رویکرد خرد و کلان یا ذهنی و عینی در تحلیل و تبیین پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است. واقعیت خارجی، نه کلاً واقعیتی عینی است و نه صرفاً ساخته اذهان اراده‌مند و مختار. آنچه به مثابه واقعیت اجتماعی در حوزه پدیده‌ها یا مسائل یک جامعه با آن سروکار داریم، تلفیقی از دو ساحت نگرشی و شیوه‌های معنادار کردن افراد اراده‌مند از یک سو و ابعاد عینی مربوط به آن پدیده از سوی دیگر است (کرمی: ۱۳۹۵). مدل تحلیلی پژوهش حاضر بر اساس نظریه ساخت اجتماعی واقعیت پارسونز به شکل زیر است.



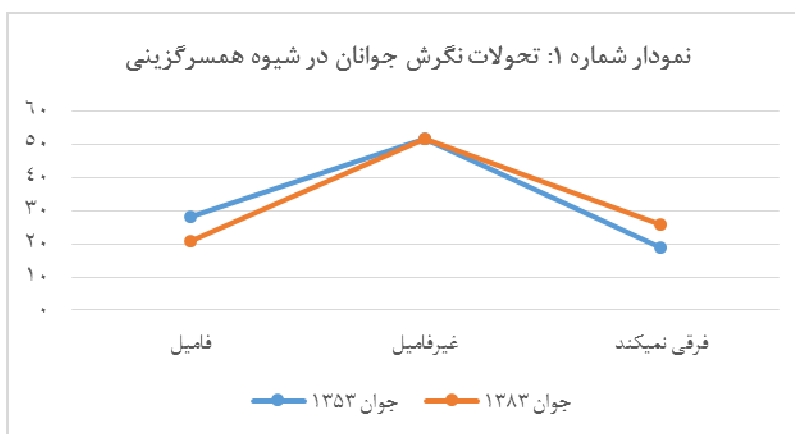
بر اساس مدل نظری فوق، وضعیت طلاق توافقی در ایران به تدریج در دو سطح عینی و ذهنی، ساختی اجتماعی یافته است. در مدل فوق ساحت عینی ساخت طلاق در ایران مربوط به زیست جهان جنسی افراد و اطلاع دادرسی در دعاوی خانوادگی و پرونده‌های درخواست طلاق در دادگاه‌های خانواده می‌شود. ساحت ذهنی و نگرشی ساخت طلاق نیز مربوط به تحول در الگوهای همسرگزینی افراد و تغییر در هرم قدرت و سلسله‌مراتب اقتدار در ساختار خانواده است.

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه ساخت اجتماعی طلاق توافقی در ایران در دو سطح زیر بررسی می‌شوند:

الف - سطح ذهنی ساخت اجتماعی طلاق توافقی در ایران

الف ۱- تحول در الگوهای همسرگزینی: هرچند نمی‌توان قاعده‌ای کلی را حتی به یک زمان یا مکان خاص تعمیم داد، اما با مطالعه اسنادی که موجود است، متوجه می‌شویم که در گذشته، زن و مرد کمتر در ازدواج خود نقش داشته‌اند؛ زیرا ازدواج، بیشتر به عنوان وسیله‌ای در خدمت منافع جمع بود و بنابراین توافق اطرافیان در این امر مهم بوده است (ساروخانی، ۱۳۸۱). اما در دوره صنعتی این امکان برای زن و مرد به وجود آمد که در مهم‌ترین تصمیم زندگی خود، نقش فعالی داشته باشند؛ زیرا در این دوره ازدواج مانند گذشته یک ضرورت اقتصادی یا سیاسی نبود؛ بلکه به قصد تکامل شخصی و برای نیل به اهداف فردی مطرح می‌شد. فردی که تقریباً از بند ضرورت اقتصادی و سیاسی ازدواج رها شده بود، می‌توانست به ویژگی‌های شخصی همسرش بیندیشد و هر کسی را متناسب با خود دید، دست به گزینش بزند (هاشمی و فولادیان، ۱۳۹۳). در جامعه ما نیز الگوی همسرگزینی در گذشته مبتنی بر درون همسرگزینی و انتخاب از میان فامیل و طایفه بوده است (آقاجانی مرسا، ۱۳۸۶)، اما با گذشت زمان، امکان تجربه‌های متنوع موجب افزایش امکان انتخاب افراد در امر همسرگزینی و تشکیل خانواده شد. نمودار زیر نشان می‌دهد که با گذشت زمان، میزان جوانانی که حاضر نیستند از میان اقوام خویش دست به انتخاب همسر بزنند، افزایش یافته است.

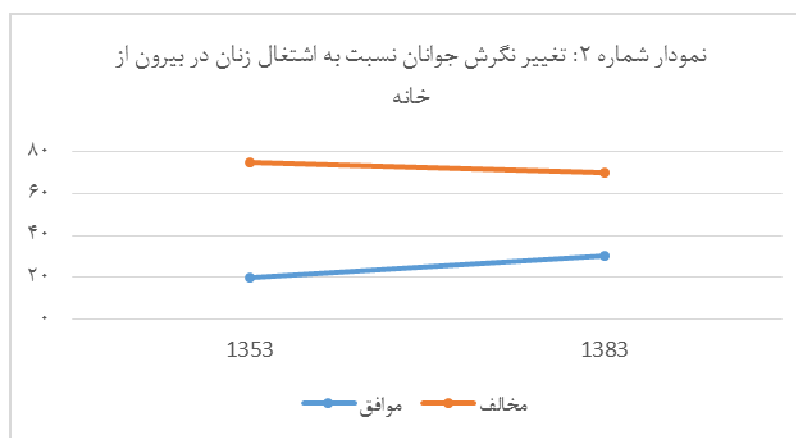


منبع: پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۳

بر اساس داده‌های سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۳، در یک روند تدریجی ساخت ازدواج و همسرگزینی به سمت «برون همسرگزینی» و با محوریت کنشگری افراد تحول یافته و فاعلیت خانواده در الگوی سنتی ازدواج که مبتنی بر «درون همسرگزینی» بود، در این نوع ازدواج کمرنگ‌تر شده است. به عبارتی ارزش‌ها و ذهنیت‌های فردی زوجین در گزینش همسر بر اساس ایده‌آل‌ها و استانداردهای فردگرایانه جایگزین ارزش‌های خانواده و

طایفه شده و کنشگری خانواده و فامیل نیز در حمایت از ازدواج نسبت به گذشته کمتر شده است. بنابراین باید لوازم چنین انتخاب‌هایی را در وضعیت طلاق مدنظر قرار داد.

الف -۲) تغییر در ساختار نقشی و اقتدار خانواده: در مدل مطلوب خانواده در نگاه دینی، خانواده‌ای موفق است که در عین همکاری و همیاری دو جنس، اهتمام اولیه زن به کارهای خانه (به ترتیب همسری، مادری و خانه‌داری) و اهتمام اصلی مردان به تأمین اقتصادی خانواده و انجام وظایف پدری و همسری باشد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۹). سلسله‌مراتب اقتدار در نظام خانواده مطلوب و دینی با محوریت مرد در رأس هرم قدرت است (همان: ۱۴۲). تغییر در قوانین و قواعد مربوط به این نظام از جمله ویژگی‌های عصر امروز جامعه ایرانی است. این پدیده ناشی از دو عامل مهم اشتغال و تحصیلات زنان است. داده‌های سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۳ نشان از تحول نگرش جوانان نسبت به تقسیم جنسیتی نقش‌ها در گذشته است که مبتنی بر الگوی مرد - نان‌آور و زن - خانه‌دار بود.

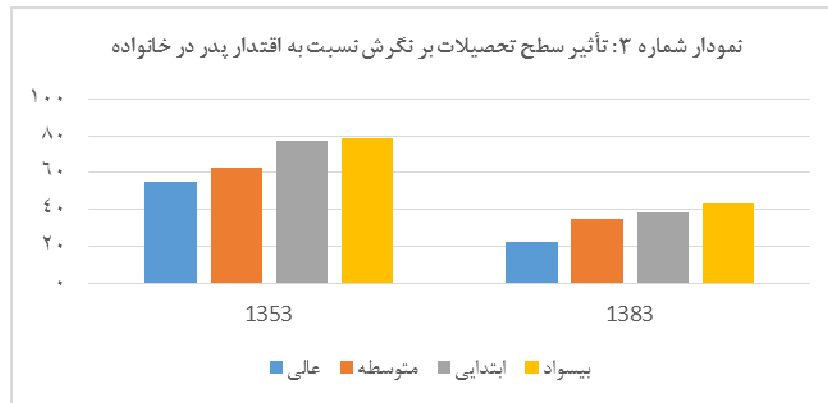


منبع: پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۳

مشاهده موارد عینی نیز نشان می‌دهد اشتغال زنان این ساختار را تغییر می‌دهد؛ زیرا مردان انتظار دارند زنان دارای خود را برای هزینه‌های خانواده صرف کنند. زنان نیز متوقع می‌شوند که در مدیریت خانواده به طور مستقیم دخالت کنند و مدیریت مردان را به چالش بکشند. در این موقعیت زنان توقع دارند مردان به طور مساوی مسئولیت‌های خانه‌داری و بچه‌داری را تقسیم کنند و به دوش گیرند. در برابر، مردان انتظار دارند زنان درباره نفقه چانه‌زنی نکنند. حتی زنان خسته از کار در مقابل خواسته‌های زناشویی شوهران وظیفه‌ای را متوجه خود نمی‌بینند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳). از نظر جامعه‌شناسان غربی نیز، یکی از نتایج افزایش شمار زنان در بازار کار، بازبینی و تغییر شکل برخی الگوهای سنتی خانواده است. آنتونی گیدنز یکی از مطرح‌ترین جامعه‌شناسان معاصر یکی از این الگوها را خانواده‌ای معرفی می‌کند که بر مدل «مرد نان‌آور» مبتنی است، اما به جای قاعده به استثنا تبدیل شده است (گیدنز^{۱۷}، ۱۹۹۸).

بر هم خوردن نظم جنسیتی نقش‌ها در خانواده در پی خود تغییر نگرش افراد نسبت به ساختار و سلسله‌مراتب اقتدار در خانه را نیز به همراه دارد. در الگوی سنتی و دینی از خانواده، پدر در رأس هرم قدرت

در خانواده قرار دارد و این قدرت نیز ناظر بر اخذ تصمیمات مهم و نهایی در امور اساسی خانواده است. بر اساس یافته‌های همان پیمایش فوق، در سال ۱۳۵۳، ۷۲ درصد از پاسخگویان «پدر» و ۱۱ درصد نیز «مادر» را تصمیم‌گیرنده اصلی در خانواده برشمرده‌اند. هم‌چنین ۷۹ درصد از مردان، «پدر» را واجد قدرت تصمیم‌گیری می‌دانند، در حالی که این میزان برای زنان به ۶۵ درصد کاهش می‌یابد. با جوان‌تر شدن پاسخگویان اندکی از میزان اعتقاد به اقتدار «پدر» کاسته می‌شود. هم‌چنین متغیر سطح تحصیلات در کاهش اعتقاد به اقتدار پدر بسیار مؤثر است. در نمودار زیر تحولات تأثیر سطح تحصیلات بر اقتدار پدر ترسیم شده است.



منبع: پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۳

بر اساس نمودار فوق، در تمامی سطوح تحصیلی شاهد کاهش میزان اقتدار مرد در خانواده به صورت تک‌قطبی هستیم، اما چنین کاهشی با افزایش سطح تحصیلات روند شتابنده‌ای می‌یابد. مطابق با داده‌های مذکور، ۷۷ درصد از بی‌سوادان در مقابل ۵۵ درصد از افراد تحصیل‌کرده، چنین نگرشی نسبت به اقتدار پدر دارند. این امر می‌تواند به تنهایی شاخصی بر کاهش اقتدار پدر با افزایش تحصیلات افراد باشد. از میان رفتن ساخت اقتدارگرایانه مردانه، شیوه اعمال قدرت سنتی به منظور حفظ انتظام خانوادگی را نیز با مشکل مواجه می‌سازد. در چنین شرایطی راحت‌تر می‌توان به گسستن روابط خانوادگی اندیشید و چنین احتمالی به لحاظ ذهنی افزایش می‌یابد.

ب - سطح عینی ساخت اجتماعی طلاق توافقی در ایران

ب-۱) زیست جهان جنسی و تأثیر بر روابط خانوادگی: از جمله وجوه عینی مؤثر بر گسست روابط زوجین و تضعیف نهاد خانواده، زیست جهان جنسی و تحریک‌آمیز امروز است که از پوشش نامناسب، گسترش محتوای غیراخلاقی در فضای مجازی و ماهواره و اختلاط جنسیتی در محیط آموزش و کار ناشی می‌شود. در جامعه امروز شاهد روند تحولی در پوشش و حجاب زنان در جامعه و به ویژه جوامع شهری هستیم. بر اساس محدوده پژوهش‌های علمی صورت‌گرفته در زمینه وضعیت پوشش و حجاب زنان در ایران، حجاب و پوشش زنان امروز نسبت به گذشته تغییرات قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده است. در پژوهش ملی عفاف و حجاب که در سال ۱۳۹۲ توسط پژوهشکده مطالعات و تحقیقات سازمان بسیج مستضعفین انجام

گرفته است، حدود ۴۱ درصد از زنان دارای حجاب برتر، ۲۵ درصد حجاب معمولی و ۳۴ درصد دارای حجاب ضعیف یا بدحجاب هستند. هم‌چنین بر اساس پژوهشی که مرکز افکارسنجی دانشجویان در سال ۱۳۹۳ انجام داده است، وضعیت آرایش زنان در جامعه در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۸۸ بیش از ۱۰ درصد افزایش یافته است و نیز بر اساس پژوهش شورای فرهنگ عمومی کشور که در تابستان سال ۱۳۹۲ انجام شده است، بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ علاوه بر تغییر الگوی استفاده از چادر، تعداد زنان چادری نیز حدود ۲۰ درصد کاهش یافته‌اند.

در کنار آمارهای موجود از رفتار پوششی زنان در جامعه، وضعیت ترددکنندگان در فضاهای شهری نیز در سال ۱۳۹۲ در پژوهشی توسط شورای فرهنگ عمومی سنجیده شد که نتیجه آن به شرح زیر است:

جدول ۱: وضعیت ترددکنندگان در شهر تهران

(منبع: وضعیت‌سنجی پوشش و آرایش ایرانیان، شورای فرهنگ عمومی ۱۳۹۲)

سال	گروه	آسیب‌زا	بی‌آسیب
۱۳۸۵	زنان	۶۸/۵	۳۱/۹۵
	مردان	۶۰/۴	۳۹/۶
۱۳۸۶	زنان	۶۲/۱	۳۷/۹
	مردان	۵۱/۴	۴۸/۶
۱۳۸۷	زنان	۶۱	۳۹
	مردان	۵۳/۲	۴۶/۸
۱۳۸۸	زنان	۶۰/۸	۳۹/۲
	مردان	۵۷/۲	۴۲/۸
۱۳۸۹	زنان	۶۵/۵	۳۴/۵
	مردان	۶۰/۳	۳۹/۷
۱۳۹۰	زنان	۶۸/۱	۳۱/۹
	مردان	۶۰/۴	۳۹/۶
۱۳۹۱	زنان	۷۱/۸	۲۸/۲
	مردان	۶۰	۴۰

داده‌های فوق‌هنگامی که در کنار یکدیگر قرار گرفته و تحلیل می‌شوند، نشان از وضعیت عینی نامناسب و آسیب‌زا در جامعه ایرانی دارد. به عبارت دیگر اگرچه اکثریت زنان جامعه در حال حاضر از استانداردهای مورد نظر حجاب شرعی پیروی کرده و تعداد زنان بدحجاب نسبت به آنها کمتر است، اما با توجه به ظهور و عینیت اجتماعی زنان بدحجاب و تردد بیشتر آنها در سطح شهر به بهانه‌های مختلف شغلی و تحصیلی و غیره آنچه که در نهایت رخ می‌دهد، وضع عینی نامطلوب در زمینه پوشش و حجاب در جامعه است.

از سوی دیگر در جامعه امروز بخشی از زیست جهان جنسی افراد در فضای مجازی یا در مواجهه با رسانه محقق می‌شود. در کشور ایران استفاده از اینترنت شیوع بیش از ۶۰ درصدی دارد.^{۱۸} هم‌چنین میانگین حضور ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بین ۵ تا ۹ ساعت در روز است.^{۱۹} فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مملو از محتواهای غیراخلاقی و اروتیک است. حجم محتوای اروتیک و غیراخلاقی موجود در اینترنت به نسبت تمام صفحات موجود آن بیش از هشت درصد است که این میزان با در نظر گرفتن صفحات

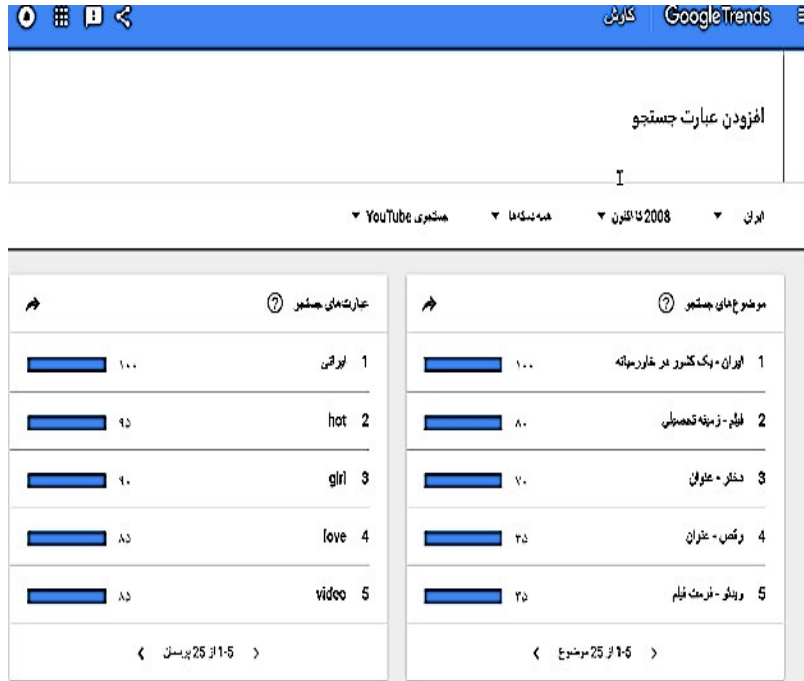
مربوط به خوانندگان زن غربی، هنرپیشه‌ها و غیره حدود ۱۲ درصد از کل است^{۲۰} که حجم نسبتاً وسیعی به نظر می‌رسد. ضمن اینکه دسترسی به آنها امروزه با یک فیلتر شکن ساده به راحتی ممکن شده است. رفتار ایرانیان در فضای مجازی نیز رنگ و بوی جنسی پررنگی دارد. به عنوان مثال با مراجعه به بخش ترندینگ^{۲۱} سایت گوگل به عنوان اولین و مهم‌ترین موتور جست‌وجوی محتوا در اینترنت و بر اساس آماره‌های ارائه‌شده توسط این سایت، فعالیت‌های ایرانیان در این موتور جست‌وجو از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷، به این شرح قابل مشاهده است.

در قسمت جست‌وجوی تصاویر برترین روندهای جست‌وجو به این شرح است: «عکس»، «دختر»، «زن»، «لباس»، «دانلود»، «فیلم»، «hot»، «زیبا»، «girl» و «ایران» (شکل ۱). هم‌چنین برترین روندهای جست‌وجو در قسمت فیلم توسط ایرانیان به این قرار است: «ایرانی»، «hot»، «girl»، «love»، «video»، «فیلم»، «ایران»، «music»، «sexy» و «رقص» (شکل ۲).

شکل ۱: برترین روندهای جست‌وجوی تصاویر از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ در ایران



شکل ۲: برترین روندهای جستجوی فیلم از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ در ایران



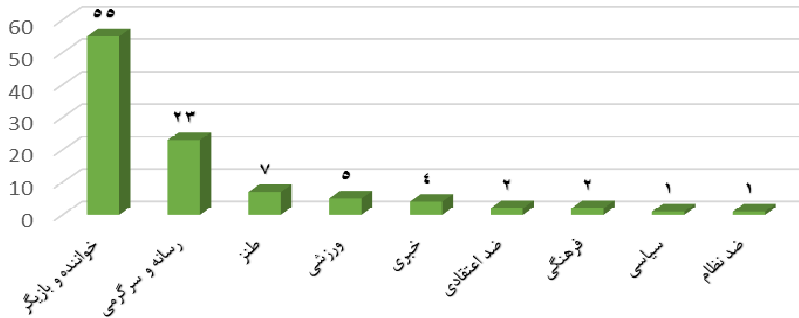
شکل ۳: برترین روندهای جستجوی فیلم در یوتیوب از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ در ایران



در سایت یوتیوب نیز که دومین سایت پرمخاطب جهان محسوب می‌شود، مهم‌ترین روندهای جست‌وجوی فیلم توسط ایرانیان از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ به این شرح است: «ایرانی»، «hot»، «girl»، «فیلم»، «love»، «Iran»، «music»، «sexy»، «dance» و «رقص» (شکل ۳).

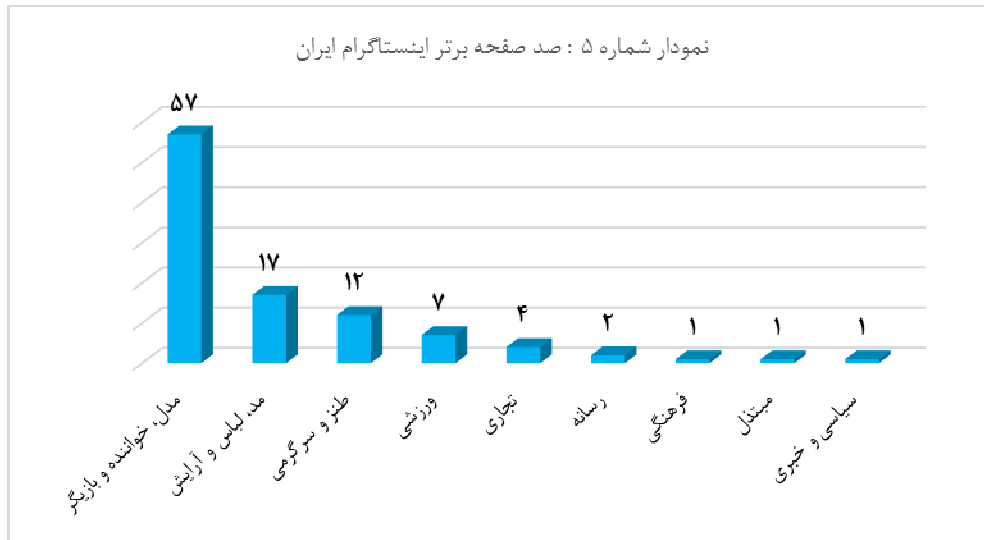
در مورد شبکه‌های اجتماعی نیز فیس‌بوک و اینستاگرام از جمله مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شبکه‌های اجتماعی در جهان هستند که در دو نمودار زیر، ۱۰۰ صفحه برتر در آن‌ها که کاربر بیشتری از ایران داشته‌اند، آمده است.

نمودار شماره ۴: صد صفحه برتر فیس‌بوک در ایران



منبع: کتاب کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید

نمودار شماره ۵: صد صفحه برتر اینستاگرام ایران



منبع: کتاب کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید

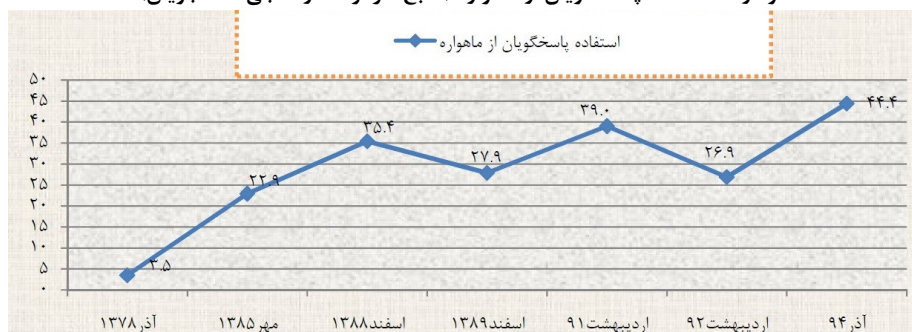
چنانچه مشاهده می‌شود، در شبکه‌های اجتماعی نیز بیشترین تمایلات ایرانیان صفحات مربوط به محتوای جنسی و اروتیک است.

در مورد شبکه‌های ماهواره‌ای نیز وضعیت مشابهی را در ایران شاهد هستیم. بر اساس پژوهشی که مرکز ملی افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) در سال ۱۳۹۴ انجام داده است، روند استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای حد فاصل سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۴ مطابق با جدول زیر است:

جدول ۲: استفاده پاسخگویان از ماهواره (منبع: مرکز افکارسنجی دانشجویان)

پاسخ	آذر ۱۳۷۸	مهر ۱۳۸۵	اسفند ۱۳۸۸	اسفند ۱۳۸۹	اردیبهشت ۱۳۹۱	اردیبهشت ۱۳۹۲	آذر ۱۳۹۴
بله	۳/۵	۲۲/۹	۳۵/۴	۳۷/۹	۳۹	۲۶/۹	۴۴/۴
خیر	۹۶/۵	۷۶/۴	۶۴/۳	۷۰	۵۷/۳	۷۱/۴	۵۵/۲
بی‌پاسخ	-	۰/۷	۰/۴	۲/۱	۳/۷	۱/۷	۰/۴

نمودار ۶: استفاده پاسخگویان از ماهواره (منبع: مرکز افکارسنجی دانشجویان)



همان‌طور که ملاحظه می‌شود، استفاده پاسخگویان از ماهواره در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ روند کاملاً صعودی و در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ روند سینوسی را پشت سر گذاشته است. میزان استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای از ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۸ به نزدیک ۴۴ درصد در مهر ۱۳۹۴ افزایش پیدا کرده است.

هم‌چنین بر اساس پژوهشی که در دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۸۹ صورت گرفته است، بیش از ۴۵ درصد مردم تهران ماهواره می‌بینند که میانگین تماشای آن دو ساعت در روز است. البته فراوانی تماشای برنامه‌های علمی زیر پنج درصد است، در حالی که فیلم و سریال بیش از ۵۰ درصد بیننده دارد و در میان شبکه‌های فارسی‌زبان، شبکه فارسی وان، ۵۰ درصد بیننده، پی‌ام‌سی نزدیک به ۴۰ درصد و سایر موارد ۱۰ درصد است.

افزایش جاذبه‌های جنسی در زیست جهان فردی و اجتماعی افراد به طور طبیعی به کاهش جذابیت‌های خانواده و همسر منجر شده و آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به عبارت دیگر از بین بردن انحصار امر جنسی

در خانواده و حریم خصوصی و کشاندن آن به حیطه عمومی جامعه می‌تواند مهم‌ترین کارکرد نهاد خانواده را که عبارت از ارضای نیاز جنسی و عاطفی و ایجاد سکون و آرامش در خانه است، با چالش جدی مواجه کرده و آن را تضعیف کند. در چنین شرایطی احساس نارضایتی از روابط زناشویی در خانواده‌ها افزایش یافته و این نارضایتی به بحرانی‌تر شدن سایر شئون و مسائل زندگی مشترک نیز دامن می‌زند. بنابراین تضعیف و تزلزل پایه‌های خانواده در این شرایط محتمل‌تر است.

ب - ۲) اطلاع دادرسی دعاوی خانوادگی در دادگاه‌های خانواده

یکی دیگر از وجوه عینی مؤثر در فهم ساخت اجتماعی طلاق توافقی در ایران، عینیت‌های مرتبط با ساختار قضایی و حقوقی ایران و ساخت حقوقی طلاق توافقی است. از جمله این عینیت‌ها در بحث طلاق توافقی، اطلاع روند دادرسی دعاوی خانوادگی در دادگاه‌های خانواده است. امروزه یکی از مشکلات نظام قضایی، اطلاع دادرسی است. طولانی‌شدن غیرقانونی و غیرمنطقی فرایند رسیدگی به امر یا دعوا در مرجع قضایی، از مقطع شروع دعوا تا صدور رأی قاطع را اطلاع دادرسی می‌گویند (دهقانی، ۱۳۸۴). این معضل منحصر به ایران و این مقطع زمانی نیست؛ بلکه برخی کشورهای غربی مانند فرانسه نیز از این پدیده رنج می‌برند (پرو، ۱۳۸۴).

یکی از پیچیده‌ترین دعاوی مربوط به مسائل خانواده، دعوی طلاق است. این نوع دعوا در عین حال حاوی بیشترین تشریفات برای صدور رأی نهایی است. تشریفات سنگین در نظر گرفته‌شده برای این نوع از دعوا به دلیل آن است که خانواده‌ها به راحتی گسسته نشوند (شیروی، ۱۳۹۰)؛ زیرا بر حفظ کیان خانواده در اسلام بسیار توصیه شده است (وسائل‌الشیعه: ج ۲۰، ص ۱۵؛ مستدرک الوسائل: ج ۹، ص ۱۰۶). از این رو، قانون‌گذار نیز سعی کرده از هر طریق ممکن مانع از طلاق شده و با وقفه‌انداختن در مسیر طلاق و اطلاع دادرسی دعاوی مربوط به آن، فرصت و زمینه بازاندیشی زوجین نسبت به تصمیم خود و انصراف از پیگیری دعاوی‌شان را ایجاد کند. در این شرایط این تشریفات باعث می‌شود که تنها زندگی زوج‌هایی به جدایی ختم شود که واقعاً اختلاف ریشه‌دار و عمیقی با هم دارند. این حقیقت در گفتارها و اظهارنظرات مسئولان دادگاه‌ها و محاکم خانواده نیز مشاهده می‌شود.

اطلاع دادرسی دعاوی مربوط به طلاق دلایل مختلفی دارد. علاوه بر قوانین شکلی آیین دادرسی مدنی و تشریفات سنگین آن، یکی از این دلایل مهم، وجود ابهام در قوانین ماهوی است. امروزه ابهام و اختلاف و اشکال در قوانین خانواده به اندازه‌ای زیاد است که کمتر می‌توان نظر دو قاضی محاکم خانواده را به صورت یکسان و واحد و مشابه در موضوعی به دست آورد. حجم بالای اختلاف‌نظرات و سوالات از مراجع مشورتی و فقهی بیان‌کننده این مطلب است. هم‌چنین تعدد بسیار پرونده‌ها و دعاوی مطرح‌شده از سوی زوجین، کمبود قضات در سیستم قضایی، ناکارآمدی و کمبود نیروی انسانی، تأخیر در اظهارنظر کارشناسان و غیره از علل و زمینه‌های اطلاع دادرسی دعاوی مدنی از جمله طلاق هستند (موحدنسب، ۱۳۹۵).

برخی از دعاوی مربوط به طلاق در محاکم خانواده حتی تا سال‌های طولانی معطل رسیدگی و صدور حکم می‌مانند. بنابراین اطلاع دادرسی و بعضاً دشواری و موانع حقوقی فراوان پیش روی دادخواست‌های طلاق که غالباً از سوی زنان مطرح می‌شوند، باعث شکل‌گیری و قوت‌گرفتن ایده «طلاق توافقی»، به ویژه نزد زنان می‌شود. به عبارت دیگر سخت‌شدن زندگی مشترک و عدم امکان تداوم آن از سوی زنان از یک سو و موانع

حقوقی پیش‌روی درخواست طلاق‌هایی هم‌چون طلاق عسر و حرج و غیره در دادگاه‌های خانواده و اطاله بیش از حد رسیدگی به آنها از سوی دیگر، زنان را به این تصمیم سوق می‌دهد که با بخشیدن حقوق مالی خود به شوهر، به صورت توافقی جدا شوند. جمله معروف «مهرم حلال، جونم آزاد» که این روزها بیشتر از سوی زنان شنیده می‌شود، ناظر بر همین شرایط عینی ساخت اجتماعی طلاق توافقی در ایران است. به نظر می‌رسد ساخت زنانه طلاق توافقی در جامعه ایران به عنوان یک واقعیت اجتماعی نیازمند تحلیل و بررسی کارشناسانه و دقیق‌تری است. این‌که زنان بیشتر از مردان متقاضی طلاق توافقی بوده و غالباً نیز در این شرایط نسبت به حقوق قانونی خود در ازدواج چشم‌پوشی می‌کنند، واقعیتی است که احتمالاً ریشه در مناسبات حقوقی و قانونی جامعه ما دارد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار با عنایت به روند رو به گسترش پدیده طلاق توافقی در ایران، تلاش بر فهم این پدیده بر اساس ساخت اجتماعی آن بود که با توجه به شرایط عینی و تحولات ذهنی افراد و کنشگران این عرصه صورت گرفت. کیفیت ساخت پدیده طلاق توافقی در ایران با توجه به وجوه دوگانه ذهنی - عینی آن قابل فهم و تحلیل است. طلاق توافقی یک وجه ذهنی دارد که به نقش کنشگر مرتبط است و یک وجه عینی دارد که به تاثیرات ساختاری مربوط می‌شود. آنچه از سطح ذهنی، مدنظر این نوشتار حاضر است، تحول در الگوهای همسرگزینی افراد و نیز تحولات نقشی زنان در خانواده و جامعه و به تبع آن تحول در ساختار قدرت در خانواده است. بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته، وضعیت نگرشی ایرانیان تغییراتی یافته است. شیوه‌های همسرگزینی به تدریج در طول سه دهه، از «درون‌همسرگزینی» به «برون‌همسرگزینی» متمایل شده است. «برون‌همسری» لوازم خاص خود را دارد؛ از جمله آن‌که کنترل‌های اجتماعی ملازم با نظارت‌های گروهی کاهش یافته و افراد به مراتب راحت‌تر می‌توانند به گسستن روابط خانوادگی اقدام کنند.

هم‌چنین بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته، با گذشت سه دهه، بر میزان موافقان اشتغال زنان در بیرون از خانه افزوده شده است. با جوان‌تر شدن ساخت سنی افراد، میزان موافقت ایشان با این امر نیز افزایش یافته است. این مسأله حاکی از کاهش تسلط تقسیم کار سنتی در ایران است. جوانان پیش از سایر افراد در تاریخ گذشته ایرانیان، موافق اشتغال زنان در بیرون از خانه هستند. همین امر می‌تواند به افزایش استقلال اقتصادی زنان و به تبع آن کاهش یا از بین رفتن نگرانی‌های مادی نسبت به آینده پس از طلاق بینجامد. ساخت قدرت در خانواده نیز از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی نگرشی محسوب می‌شود که به تدریج شاهد از دست رفتن وضعیت قطبی و مردانه در آن هستیم.

آنچه از سطح عینی ساخت اجتماعی طلاق توافقی در ایران مدنظر نوشتار حاضر بوده است، زیست جهان جنسی افراد و اطاله دادرسی دعاوی خانوادگی و طلاق در ساختار قضایی کشور است. افزایش عناصر تحریک جنسی در جامعه و برون‌رفت «امر جنسی» از حوزه خصوصی به حیطة عمومی، به تدریج از مرجعیت و جایگاه انحصاری خانواده در رفتار جنسی افراد کاسته که به تبع آن از پایبندی و تقید آنان نسبت به خانواده کاسته می‌شود. هم‌چنین اطاله رسیدگی به پرونده‌های خانوادگی و دعاوی طلاق در دادگاه‌های خانواده و

معطل شدن بیش از حد زوجین در پیچ و خم اداری این محاکم، آنان را به سمت انجام یک توافق مشترک در امر طلاق سوق می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------------------|--------------------------|
| 1. Cheal | 12. Function |
| 2. Bernardes | 13. Hamilton |
| 3. Gairdner | 14. Unit Act |
| 4. Social Fact | 15. Turner |
| 5. Social Issue | 16. Loomis |
| 6. Social Crisis | 17. Giddens |
| 7. Rubington | 18. Internet world Stats |
| 8. Voluntaristic Theory of Action | 19. Tabnak |
| 9. Super Ego | 20. Quora |
| 10. Crieb | 21. Trending |
| 11. Structure | |

منابع

- ابوالحسن تنهایی، ح.، و شکرپیگی، ع. (۱۳۸۷). جهانی شدن، تجدیدگرایی و خانواده در ایران، *مجله جامعه‌شناسی*، ۱۱(۳)، ۳۳-۵۵.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- آقاجانی مرسا، ح. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی همسرگزینی، ازدواج و طلاق*. تهران: نشر علم.
- آقاسی، محمد (۱۳۹۶). نگرش مردم ایران به ماهواره و میزان مصرف آن، مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا).
- اعتمادی‌فرد، س. م. (۱۳۸۹). پارسونز: از اراده‌گرایی کنشی تا نظام اجتماعی، *نامه فرهنگ و ارتباطات*. ۱(۲)، ۲۶-۳.
- بالوی، م. (۱۳۸۷). طلاق توافقی؛ حوزه خصوصی یا قلمرو عمومی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۱)، ۵۸۴-۵۶۵.
- برناردز، جان (۱۹۹۷). *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه ح. قاضیان (۱۳۸۷). تهران: نشر نی.
- پرو، ر. (۱۹۸۶). *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه ش. ابراهیمی (۱۳۸۴). قم: انتشارات سلسبیل.
- چیل، د. (۲۰۰۷). *خانواده‌ها در دنیای امروز*، ترجمه م. لیبیبی (۱۳۸۸). تهران: نقد افکار.
- حاجیان، ا. (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی نهاد خانواده در ایران (مجموعه مقالات)*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حر عاملی، م. (۱۴۱۶ق). *وسایل‌الشیعه الی تفاسیل مسائل‌الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت لایحیاء التراث.
- حق‌شناس، س. ج. (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی خانواده (مجموعه مقالات)*. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- دهقانی، ح. (۱۳۸۴). مدیریت زمان، تسریع در دادرسی. *تعالی حقوق*، ۳(۱۲)، ۳۶-۱۳.
- رابینگتن، ا. و واینبرگ، م. (۱۳۸۲). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. ترجمه ر. صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زمانیان، ع. (۱۳۸۷). *تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- زیبایی‌نژاد، م. (۱۳۹۳). *اشتغال زنان؛ عوامل، پیامدها و رویکردها*. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- زیبایی‌نژاد، م. و سبحانی، م. (۱۳۸۳). *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۱). *پژوهشی در شناخت واقعیت طلاق و عوامل آن*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ساروخانی، ب.، احمدی، ا.، و صفا، د. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۴(۷)، ۴۲-۹.
- سازمان بسیج مستضعفین (۱۳۹۲). پژوهش ملی عفاف و حجاب، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج. شیروی، ع. (۱۳۹۰). حقوق خانواده. تهران: سمت.
- علی احمدی، ا. (۱۳۸۸). تحولات معاصر خانواده در شهر تهران. تهران: نشر شهر.
- قانع‌راد، م. ا. (۱۳۹۶). زوال پدرسالاری: فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی. تهران: نقد فرهنگ.
- کرایب، ی. (۱۹۹۲). نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه ع. مخبر (۱۳۹۲). تهران: نشر آگه.
- گاردنر، و. (۱۹۹۷). جنگ علیه خانواده، ترجمه م. محمدی (۱۳۸۸). قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گودرزی، م. (۱۳۸۲). موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور، تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گودرزی، م. (۱۳۸۷). گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان کل کشور، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- محسنی، م. (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- موجدنسب، ح. (۱۳۹۵). علل اطاله دادرسی دعاوی طلاق، مجله حورا، ۴۹(۱)، ۳۲-۲۳.
- نیک‌پی، ا.، پویا، ز. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تحول خانواده در ایران، جامعه‌شناسی تاریخی، ۴(۱)، ۱۶۹-۱۳۱.
- واعظی، م. (۱۳۹۲). وضعیت‌سنجی پوشش و آرایش ایرانیان، شورای فرهنگ عمومی.
- هاشمی، س. ض. و فولادیان، م. (۱۳۹۳). بررسی تجربی دو نظریه رقیب همسرگزینی در ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۷(۴)، ۱۸۷-۱۵۷.

- AbolhasanTanhai, H., & Shekarbeugi. A. (2008). Globalization, Modernity and Family in Iran, *Journal of Sociology*, 11(3), 33-55 [in Persian].
- Aliahmadi, A. (2009). *Contemporary Evolution of Family in Tehran*. Tehran: Nashre Shahr [in Persian].
- Aghajani, H. (2008). *Sociology of Spouse Selection, Marriage and Divorce*. Tehran: Nashre Elm [in Persian].
- Azadarmaki, T. (2015). *The Sociology of Iranian Family*. Tehran: Samt [in Persian].
- Balavi, M., & Bayat Komitaki, M. (2009). Compromising Divorce, Private Domain or Public Domain? *Journal of Family Research*, 4(1), 565-584 [in Persian].
- Etemadi Fard, S. M. (2010). From Action Willingness to Social Structure. *The Letter of Culture & Communication*, 1(2), 3-26 [in Persian].
- Bernardes, J. (1997). *Family Studies, an Introduction* (H. Ghazian Trans.). Tehran: Ney Publication [in Persian].
- Cheal, D. (2007). *Families in today's world: a Comparative approach* (M. Labibi Trans.). Tehran: Naghde Afkar [in Persian].
- Crieb, I. (1992). *Modern social theory: from parsons to Habermas* (A. Mokhber Trans.). Tehran: Agah [in Persian].
- Gairdner, W. (1997). *War against the Family* (M. Mohammadi Trans.). Qom: Center of Women Studies and Research [in Persian].
- Ghaneirad, M. A. (2017). *Decline of the Patriarchy, Family Collapse or Appearance of Civil Family*. Tehran: Naghde Farhang [in Persian].

- Haghshenas, S. J. (2013). *Family Pathology*. Qom: Center for Women and Family Research [in Persian].
- Hajiani, A. (2011). *Family Pathology in Iran*. Tehran: Center for Strategic Research [in Persian].
- Hashemi, S. Z., Fouladiyan, M. (2014). Experimental Assessment of Two Corvival Theories about Choosing Spouse in Iran. *Journal of Iranian Cultural Research*. 7(4), 157-787 [in Persian].
- Perrot, R. (1986). *Institutions judiciaires zeed* (SH. Ebrahimi Trans.). Qom: Salsabil [in Persian].
- Rubington, E. (1971). *The Study of Social Problems: Seven Perspectives* (S. Sedigh Sarvestani Trans.). Tehran: Tehran University Publication [in Persian].
- Saroukhani, B. (2003). *Divorce: A Study on the Reality and its Causes*. Tehran: Tehran University Publication [in Persian].
- Saroukhani, B., Ahmadi, S., & Safa, D. (2017). A Discourse Analysis of Family Patterns in the Today, *Islamic Journal of Women and Family*, 4(7), 9-42 [in Persian].
- Shiravi, A. (2011). *Family Law*. Tehran: Samt [in Persian].
- Nikpey, A., & Pooya, R. (2012). Sociology of Family Evolution in Iran. *Historical Sociology*, 4(1), 131-169 [in Persian].
- Farrell, L. (2006). Parental Separation and Divorce: Can we provide an ounce of prevention? *Pediatrics*. 110(5).1007-1009.
- Giddens, A. (1998). *Sociology*. Cambridge: Polity Press.
- Giddens, A., & Turner, J. (1993). *Social Theory*. Cambridge: Polity Press.
- Hamilton, P. (1992), Talcott Parsons. London: Ellis Harwood Limited.
- Loomis, C. (1965). *Modern Social Theories*, Second Edition. Toronto: D. Van Rostand Company.
- Turner, J. H. (1998). *the Structure of Sociological Theory*, Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.
- Whitman, M. (2012). Therapists' perspective of couple problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*, 11(3), 525-542.
- Zamanian, A. (2008). *Fundamental Changes in Family Institution of Iran in Recent Decades*. Tehran: Azad University Publication [in Persian].
- Zibaeinejhad, M. (2000). *Women Employment: Causes, Consequences and Approaches*. Qom: Center for Women and Family Research [in Persian].
- Zibaeinejhad, M. (2004). *An Introduction to the Character of Women in Islam*. Qom: Center for Women and Family Research [in Persian].